

گزارش

بازگشایی پرونده

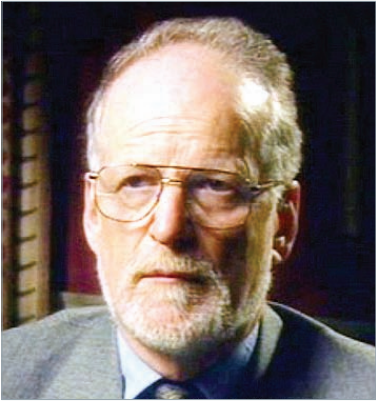
مرگ مشکوک دیوید کلی

گروه بین الملل: «قای نخست‌وزیر آ یا دستان شما به خون آلوده است»؟ این پرسشی بود که یک خبرنگار انگلیسی به صراحت از تونی بلر در کنفرانس خبری پرسید که ساعتی بعد از اعلام خبر مرگ دکتر دیوید کلی در ژاپن برگزار شد. اکنون پس از هشت سال، هتت کارشناس حقوقی و پزشک بریتانیایی در نامه‌ای به روزنامه تایمز خواستار بررسی مجدد پرونده مرگ دیوید کلی، کارشناس تسلیحاتی وزارت دفاع بریتانیا در زمان آغاز جنگ عراق شده‌اند که در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۳، چند روز پس از حضور در کمیته تحقیقاتی پارلمان بریتانیا برای دادن توضیح، گفته شد خودکشی کرده است. مرگ کلی پس از آن اتفاق افتاد که او به عنوان منبع خبری یکی از گزارش‌های بی‌بی‌سی در مورد خطر اتمی شدن عراق مورد ظن و تحت فشار شدید وزارت دفاع بریتانیا قرار گرفت.

یک حقوقدان و پزشک قانونی پیشین و معاون او، یک جراح و همچنین «کنت کلارک» وزیر دادگستری و دادستان کل بریتانیا، از جمله افرادی هستند که این نامه را امضا کرده‌اند و نوشته‌اند شواهد به دست آمده در مورد مرگ دکتر کلی، با آنچه رسماً دلیل مرگ او اعلام شد مغایرت دارد. تحقیقاتی که توسط لرد هاتن در مورد علت مرگ دیوید کلی در سال ۲۰۰۳ صورت گرفت به این نتیجه رسیده بود که او با بریدن رگ مچ دست چپ خود با چاقویی که در کنارش یافت شد خودکشی کرده و علت اصلی مرگ او خونریزی شدید بوده است. امضاکندگان نامه ارسالی به روزنامه تایمز می‌نویسند نتیجه گزارش لرد هاتن قابل اعتماد نیست، زیرا جراحات روی مچ دست دیوید کلی به شدتی نبوده است که خونریزی شدید و مرگ او را در پی داشته باشد، مگر آنکه خون دکتر کلی در آن هنگام رقیق بوده باشد. دیوید کلی از کارشناسان ارشد تسلیحاتی ۱۹۹۰ چند بار برای بازرسی تسلیحاتی و جلوگیری از دستیابی صدام حسین به سلاح‌های کشتار جمعی به عراق رفته بود و در وزارت دفاع بریتانیا هم در همین سمت خدمت می‌کرد.

گزارش جنجالی «بی‌بی‌سی»

روز ۲۹ ماه مه ۲۰۰۳، اندرو گیلیکان خبرنگار امور دفاعی بی‌بی‌سی در گزارشی ویژه که از کانال چهار رادیو بی‌بی‌سی پخش شد، گفت منبعی که او را یک مقام بلندپایه انگلیسی معرفی کرد، به وی گفته است سند معروف به «دوسیه صدام» که بلر آن را سپتامبر گذشته منتشر کرد و به تسلیحات کشتار جمعی عراق و شدت خطرناک بودن آن مربوط می‌شود، پرهیز میل دستگاه‌های اطلاعاتی انگلیس، دستکاری شده بود تا با اندکی مبالغه تأثیر گذارتر شود. سه روز بعد گیلیکان در روزنامه «میل آن ساندی» چاپ لندن نوشت: الستر کمپبل مدیر امور ارتباطات و رسانه‌های بلر مسئول



وارد کردن ادعایی در این سند است مبنی بر اینکه عراق می‌تواند طی ۴۵ دقیقه سلاح‌های کشتار جمعی خود را فعال کند.

در شرایطی که هیچ اثری از سلاح‌های کشتار جمعی در عراق یافت نشده بود و در آمریکا هم در چارچوب رقابت‌های انتخابی، جرج بوش متحد بلر در جنگ هدف حملات و انتقادات مشابه قرار گرفته بود، این گزارش در کانون همه بحث‌های سیاسی در لندن قرار گرفت. هتمن جولای کمیته مخصوص گزارش خود را منتشر کرد که در آن کمپبل و بلر تیره شده بودند اما نسبت به ادعای مشکوک آماده شدن تسلیحات کشتار جمعی عراق طی ۴۵ دقیقه و منبع آن ابراز تردید جدی کردند. یک روز بعد از انتشار گزارش کمیته تحقیق، وزارت دفاع انگلیس اعلام کرد قماش بلندپایه مراجعه کرده و گفته است او در روز ۲۲ ماه مه با گیلیکان دیدار و درباره سلاح‌های عراق گفت‌وگو کرده است. در بیانیه وزارت دفاع نامی از مقام برده نشد. اما بعدها با اشاره وزارت‌خانه معلوم شد منظور، دکتر دیوید کلی بوده است. کمیته تحقیق، این پرونده را دوباره گشود و در روز ۱۵ جولای دکتر کلی در کمیته تحقیق مجلس حاضر شد و شهادت داد. اعضای کمیته بعد از این نشست، گفتند فکر نمی‌کنند دکتر کلی منبع خبری گزارش گیلیکان باشد. این‌همه‌ها اعلام کردند «برخورد وزارت دفاع با دکتر کلی خوب نبوده است.» گیلیکان و بی‌بی‌سی هرگز حاضر نشدن منبع خبری خود را فاش کنند. اما پس از آنکه دیوید کلی به عنوان منبع این خبر مورد ظن قرار گرفت، از سوی کمیته تحقیقاتی پارلمان احضار و با برخورد ناخوشایندی از سوی یکی از نمایندگان هوادار تونی بلر روبه‌رو شد. دیوید کلی در پی این جلسه و در روز پنجشنبه ۱۷ژوئیه سال ۲۰۰۳ منزل خود را برای قدم زدن روزانه ترک کرد و هرگز به خانه‌اش بازنگشت. او ساعتی پیش از خارج شدن از منزل برای پیاده‌روی در پیامی الکترونیکی برای خبرنگار نیویورک‌تایمز به فشارهای وارد بر خود از سوی وزارت دفاع اشاره کرده و نوشته بود: «بازگزارن سیه بسیاری در این بازی حضور دارند.» روز بعد جسد او در حالی که یک چاقوی و مقداری قرص مسکن در کنارش دیده می‌شد، یافت شد. در مورد پرونده دیوید کلی اتهامات زیادی وجود دارد و «کنت کلارک» وزیر دادگستری بریتانیا در نظر دارد خواستار انتشار پرونده پزشکی او و نتیجه کالبدشکافی شود که اکنون مجرمانه باقی مانده است.

– **آقای خودور کفسکی شما مدت‌زمان طولانی را پشت میله‌های زندان‌های روسیه گذرانده‌اید و اردوگاه کار اجباری سبیری و زندان‌های موقت مسکو را تجربه کرده‌اید. در مورد سیستم جزایی روسیه چه نظری دارید؟**

سیستم جزایی در کشور ما بر مبنای بازپرووی و کمک به محکومان و حمایت از جامعه در برابر بزهکاری نیست بلکه سیستمی است که تنها بر مجازات تکیه دارد؛ مجازاتی که غالباً وحشتناک و تحقیرکننده‌است؛ سیستمی که از طریق آن انسان می‌شکند و خرد می‌شود.

– **در طول روز چه کار می‌کنید؟**

من یک زندانی عادی نیستم و تنها یک سال و دو ماه از هفت سال محکومیتم را در آن اردوگاه گذراندم و باقیمانده محکومیت خود را در زندان‌های موقت سپری کردم. همواره مشغول آمادگی برای حضور در دادگاه و محاکمه بودم و از یک سال و نیم پیش در زندان موقت مسکو هستم. دادگاه و قوانین زندان وضعیت روزانه من را مشخص می‌کند. ساعت‌های اداری را در دادگاه هستم و هفته‌ای یک روز با وکلایم ملاقات دارم.

– **چند وقت یک بار با خانواده ملاقات دارید؟**

گاه یک روز در هفته که این ملاقات یک تا یک ساعت‌ونیمه جمعی از طریق تلفن انجام می‌شود زیرا یک شیشه‌فلور ما را از هم جدا می‌کند. طبیعتاً نگهبانان هم در آنجا حضور دارند و وضعیت در ففت سال گذشته همین طور بوده است.

– **چرا هنگامی که نقشه دستگیری شما در سال ۲۰۰۳ کشیده می‌شد از موقعیت استفاده نکردید و به خارج نرفتید؛ همان کاری که آن مدیر رسانه‌ای یعنی ولادیمیر گوسینسکی کرد و به اسپانیا رفت یا یوریس بر سوفسکی که در حال حاضر در لندن زندگی می‌کند؟**

در آن زمان به نظرم این طور می‌آمد که چارای ندارم. رفتن به خارج از نظر من خیانت بود و مساله شرافتم اهمیت بیشتری داشت تا به امروز هم بر همین باور هستم.

– **آیا تا به حال تلاشی برای انجام یک معامله برای آزادی شما صورت گرفته‌است، به عنوان مثال اینکه خود را گناهکار معرفی کنید و در مقابل مجوز خروج از کشور بگیرید؟**

نه تلاشی که من می‌دانم هرگز چنین صحبتی نشده‌است. –**اعضای غفوز اسوی پرزیدنت مدودف تا چه اندازه محتمل است؟**

بر پایه قانون اساسی رئیس‌جمهور این حق را دارد که به دلخواه خود هر مقدار از محکومیت را بخشند و در این مورد محدودیتی وجود ندارد اما در این باره باید از پرزیدنت مدودف سوال کنید.

– **دو تن از اعضای دولت یعنی وزیر سابق اقتصاد و وزیر فعلی صنایع مقابل دادگاه اظهار کرده‌اند شما در مورد کنسرسیونم یوکوس مرتکب هیچ گونه عمل خلاف قانونی نشده‌اید. آیا این نشانه مثبتی برای حکم بدعی شماست؟**

حضوراین دو نفر در دادگاه گمانه‌زنی‌های تقریباً خوشبینانه‌ای را موجب شده‌است. این اظهارات نشان از صداقت شخصی و حرف‌ای‌گری آنها دارد.

– **برای دیگران اما هنوز هم دو مساله غیر قابل درک و مبهم است: ارتقای افسانه‌ای شما به مقام ثروتمندترین مرد روسیه و دگردیسی‌تان از یک شهروند عادی وفادار به دولت به یک دگراندیش. شما در سال‌های دهه ۸۰ در انستیتوی تحقیقات تسلیحاتی تحصیل می‌کردید و همکار کلابد بودید. چرا ناگهان نظر تان در مورد رهبری روسیه تغییر کرد؟**

من همواره از باورهایم و از حقیقت دفاع کرده‌ام. هنگامی که برایش روشن شد چگونه در دوران شوروی همه را فریب داده‌ام به سنگر مخالفان پیوستم. از آن زمان آرای بیان مهم‌ترین خواسته من است. پیش از همه این نابودی شبکه تلویزیونی آن‌تی‌بدلیو در سال ۲۰۰۰ بود که مرا وادار به انتقاد از کرملین کرد. اما آنچه به موفقیت‌های من به عنوان یک مدیر مربوط می‌شود به سال ۱۹۸۷ بازمی‌گردد. در آن زمان افراد معدودی مثل من تصمیم گرفتند آینده تضمین‌شده دولتی خود را به نفع یک موقعیت مبهم و غیرمحتمل کنار بگذارند. در سال ۱۹۹۶ هم کمتر کسی پیدا می‌شد که همه پول خود را در شرکت نیمه‌ویرانی مثل یوکوس آن زمان سرمایه‌گذاری کنند. آن هم شش ماه پیش از انتخاباتی که همه انتظار پیروزی کمونیست‌ها را در آن داشتند. اما من این جسارت را کردم و پیروز شدم.

– **شما مشاور آخرین رئیس‌جمهور روسیه شوروی بودید و در سال ۱۹۹۳ و در زمان یلتسین در وزارت انرژی کار می‌کردید. اما هم‌زمان رئیس هیات‌مدیره یکی از اولین بانک‌های خصوصی روسیه هم بودید آن هم درست در گرم‌اکرم دوران خصوصی‌سازی. آیا آن آمیزش اقتصاد و سیاست در روسیه نیست که امروز شما را مجازات می‌کند؟**

بانکی که متعلق به من بود تازه دو سال پس از جدایی‌ام از وزارت انرژی شروع به فعالیت کرد یعنی در سال ۱۹۹۵. امروزه مردم طبقات فراست به گونه‌ای متفاوت قائل و تجارت را با هم تلفیق کرده‌اند که از نظر من بسیار خطرناک است. – **به هر حال نزدیکی با یلتسین در این مورد به شما کمک کرد و توانستید در سال ۱۹۹۶ بزرگ‌ترین سهامدار یوکوس که در آن زمان دومین کنسرسیونم نفتی روسیه بود، بشوید. کجا آن پول را آورده بودید؟**

من بانک را در سال ۱۹۸۸ تاسیس کرده بودم. در سال ۱۹۹۳ یعنی در آغاز خصوصی‌سازی این بانک با معیارهای روسی، بلکی قدیمی محسوب می‌شد که در داخل و خارج از اعتبار بر خوردار بود. در آن زمان تعداد بی‌شماری از شرکت‌ها و موسسه‌های روسی ورشکسته بودند و کل سیستم اقتصادی شوروی فروپاشیده بود. هنوز هم پول کوچک‌ترین مشکل بود و بانک ما بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ بیش از یک میلیارد دلار سود کرد. این رقم برای هفتمین بانک بزرگ کشور چندان زیاد نبود. – **اچ‌ران روسی مانند شما در دوران خصوصی‌سازی بهترین بخش‌های صنایع شوروی را تقریباً هدیه گرفتند. اصلاً این طور نیست. برای خرید یوکوس از بانک‌های روسیه وام گرفتیم. سرمایه‌گذاران غربی هم از مزایده کثر کشیدند. گذشته از آن همه فراموش کرده‌اند یوکوس در سال ۱۹۹۶ چه وضعیتی داشت؛ پدیه‌های مالیاتی‌اش از میلیاردر دلار بود و کارکنانش شش ماه حقوق طلبکار بودند. قیمت هر بشکه نفت هم در آن زمان بین ۱۶ تا ۲۵ دلار نوسان داشت. شرکتی مانند یوکوس در آن زمان چه قیمتی می‌توانست داشته باشد؟ با این حال ما ۱/۲ میلیارد دلار پرداختیم و همه مالیات‌ها و پدیه‌ها را تسویه کردیم. یوکوس در سال ۲۰۰۳ با دو برابر**

زندانی پوتین سخن می‌گوید

دیکتاتوری خوب فقط یک رویاست

ترجمه: محمدعلی فیروز آبادی



«میخائیل خودور کفسکی» در خلال سال‌های پر تنش زمامداری یلتسین نمادی از سرمایه‌داری جوان دوران پساشوروی به شمار می‌آمد و حال هفت سال گذشته را در اردوگاه کار اجباری سبیری و زندان‌های مسکو سپری کرده است. خودور کفسکی در سال ۱۹۶۲ و از پدری یهودی در مسکو متولد شد و همسر و چهار فرزند دارد. او در سال ۱۹۸۷ یعنی در خلال دوران اصلاحات گورباچف در مقام کارگزار سازمان جوانان یا همان کومسومول از ارتباطاتی که داشت، بهره برد و اولین شرکت خصوصی را بنیاد گذاشت؛ شرکتی که فعالیت آن محدود به تجارت کامپیوتر و الکل بود. سپس سود حاصل از این کار را در تأسیس یکی از بانک‌های خصوصی روسیه سرمایه‌گذاری کرد و کوتاه‌زمانی بعد ۷۸ درصد از سهام شرکت نفتی یوکوس را خرید. خودور کفسکی از این کنسرسیونم یک امپراتوری با یکصد هزار کارمند ساخت که در سال ۲۰۰۲ درآمدی بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار را نصیب صاحبان خود کرد. مجله اقتصادی فوربس در سال ۲۰۰۳ دارایی شخصی خودور کفسکی را هشت میلیارد دلار ارزیابی کرد و به این ترتیب نام وی را در مکان بیست و ششمین ثروتمند جهان قرار داد. خودور کفسکی از این شهرت جهانی خود استفاده می‌کرد و به صورت علنی برزیدنت پوتین را مورد انتقاد قرار می‌داد و به همین خاطر وی در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۳ در فرودگاه نووسبیری توسط نیروهای امنیتی روسیه بازداشت و به جرم عدم پرداخت مالیات و کلاهبرداری به هشت سال زندان در اردوگاه کار اجباری محکوم شد. جالب اینکه حتی مشاوران نزدیک پوتین هم این مساله را قبول داشتند که نام خودور کفسکی تبدیل به یک الگو و نماد شده است. با این همه در حال حاضر دادگاه دوم وی جریان دارد و در اواخر سال جاری حکم این دادگاه صادر می‌شود. اتهام جدید خودور کفسکی معامله پنهانی ۳۵۰ میلیون تن نفت خام به ارزش ۲۵ میلیارد دلار است؛ اتهامی که در صورت اثبات ۱۵ سال حبس برای وی به دنبال خواهد داشت. این غول نفتی و مدیر سابق کنسرسیونم یوکوس در این گفت‌وگو در مورد صعودش به مقام ثروتمندترین مرد روسیه، تحولش به یک دگراندیش و دوران هفت‌ساله زندان و البته از سیاست‌های نخست‌وزیر پوتین می‌گوید.

کردن استخراج نفت از همه بدیهی‌ها خلاص شد و سرمایه آن به ۴۰ میلیارد دلار رسید.

–**شما همواره تأکید کرده‌اید در سال‌های دهه ۹۰ بر خلاف امروز روود به ردیف اول اقتصاد روسیه کار آسانی نبود.**

در این مورد چه توضیحی دارید؟

من شناخت خوبی از پرزیدنت یلتسین داشتم. او هرگز دولتمردانی را در کنار خود تحمل نمی‌کرد که ثروت‌های میلیونی‌شان را از طریق فساد به دست آورده بودند. برخلاف امروز. این مساله که پیش از این نهاد‌های حافظ پول و همه کار زن شرکت‌های خارجی استفاده کند به ذهن کسی راه نمی‌یافت. البته قوانین خوب و بد همواره وجود داشته و دارد. مشکل زمانی است که یا ضابطه‌ای وجود ندارد یا به دلیل اهداف سیاسی قانون نادیده گرفته می‌شود. مشکل شرکت‌ها امروزه غالباً با ابزار خشونت حل می‌شود و برای فشار بر مدیران مردم را گروگان می‌گیرند.

–**شما زمانی را موفقیت خود را «خلاهای قانونی را یافتن و از آن سوءاستفاده کردن» عنوان کرده‌اید. این به معنی آن است که می‌دانستید‌اید فعالیت‌های شرکت‌هایتان مشروع نیست؟**

استفاده ماهرانه از قانون یک فاکتور مهم برای موفقیت است. در آن زمان سوابق و اقدامات ما توسط حقوقدانان، دادگستری، حسابرسان و دیگر ارگان‌های دولتی مورد بررسی قرار گرفت و هیچ ایراد و اشکالی یافت نشد و همه آنها اقدامات ما را مطابق قانون اعلام کردند تا اینکه دولت در سال ۲۰۰۳ حمله به ما را آغاز کرد. وقتی در قانون راهی برای کاهش ۲۰ درصدی مالیات وجود دارد اگر من از این موقعیت استفاده نکنم پس مدیر خوبی نیستم. تکرار می‌کنم که همه کارهای ما قانونی بود. البته بعدها برای محکوم کردن ما تفسیر دیگری از قانون مالیات ارائه شد که کاملاً با نیت اولیه قانونگذار در تضاد بود. یوکوس پس از گازپروم و کنسرسیونم چس بزرگ‌ترین مالیات‌دهنده در کل کشور به حساب می‌آمد.

–**دولت پوتین با بازداشت شما در اکتبر ۲۰۰۳ چه هدفی را دنبال می‌کرد؟**

مهم‌ترین هدف در آن زمان قطع منابع مالی اپوزیسیون مستقل پیش از انتخابات پارلمان و ریاست‌جمهوری بود. پس از آن بوروکرات‌ها به این فکر افتادند که با نابودی ما خودشان صاحب ثروت شوند.

–**در آن زمان گفته می‌شد شما بر نیمی از نمایندگان پارلمان نفوذ دارید و از حزب اپوزیسیونن یابلوکو و کمیونس‌ت‌های روسیه حمایت مالی می‌کنید. ظاهر آنفوذ سیاسی آنها را نگران کرده بود؟**

طبیعتاً چنین ترس‌ها و نگرانی‌هایی وجود داشت. میخائیل کلسیانف نخست‌وزیر پیشین در دادگه من گفت پوتین به شدت در این مورد حساس است. من در واقع به دلایل شخصی از احزاب لیبرال مانند یابلوکو و اتحادیه نیروهای راست حمایت مالی می‌کردم. تا آنجایی که من خبر دارم برخی سهامداران یوکوس که هوادار حزب کمونیست بودند از حساب خودشان از آنها حمایت مالی می‌کردند. اما یوکوس نفوذ تأثیرگذاری نداشت. شرکت‌هایی چون گازپروم و دیگران بودند که مخارج تبلیغات انتخاباتی را تأمین می‌کردند. فاکتور تعیین‌کننده هم باز یگران اصلی بودند یعنی نهاد ریاست‌جمهوری و فرمانداران.

– **آیا مشکل شما با کرملین ناشی از این نبود که خواست خود برای رسیدن به مقام ریاست‌جمهوری را نشان داده بودید؟**

این یک حقیقت مسلم است که در روسیه هیچ کس یک فرد یهودی‌تبار را به عنوان رقیبی جدی در این مورد به حساب نمی‌آورد. من هم هرگز چنین آرزویی را ابراز نکردم زیرا احق نیستم.

–**رهبری روسیه عقیده دارد شما و کنسرسیونم‌تان پشت قضیه قتل شهردار شهر نفت جوکانسک یعنی ولادیمیر**

می‌شود؛ دادگاهی که در آن باید قاضی و افکار عمومی را قانع کنم که حق با من است. من هیچ تأثیری بر تصمیم‌های سیاسی ندارم ولی همه کار می‌کنم که همگان به این باور برسند که این اتهامات هیچ پایه و اساسی ندارد.

– **دو سال‌های دهه ۹۰ شما به سوءاستفاده از بحران‌ها شهرت داشتید، اما امروزه از شما به عنوان قربانی راه دموکراسی و حقوق مدنی یاد می‌شود. آیا این عنوان رضایت شما را جلب می‌کند؟**

البته در گذشته به ندرت از من به عنوان رئیس دردها یاد می‌شد و امروز به مراتب از احترام بیشتری به عنوان یک قربانی برخوردارم. اما اصولاً علاقه‌ای به نقش دوگانه ندارم. عنوان امروز من ناشی از این است که از نظر اجتماعی در قالب یک حامی فعال شدم. ولی مناسفانه این حالت مشکلات جانبی ناخوشایندی را رقم زد و فعالیت‌های اجتماعی من، حمله به سیستم حاکمیتی روسیه تعبیر شد. من نه می‌خواستم دشمن کرملین باشم و نه قهرمان.

– **دو سال پس از آغاز به کار دیمیتری مدودف به عنوان رئیس‌جمهور ظاهر آن دوچرخه دوفنره پوتین– مدودف به پایان راه خود نزدیک می‌شود. مدودف از «اقتصاد عقب‌مانده مبتنی بر مواد خام» و «فساد نهادینه‌شده» شکایت دارد اما نمی‌تواند دولت را کنار بزند زیرا این می‌تواند کودتا علیه پوتین تلقی شود. راه برون‌رفت این کشور از بحران چیست؟**

طبیعتاً تکیه بر اقتصاد مواد خام آن هم با این قیمت‌های ناپایدار یک ریسک به شمار می‌آید. همواره ۷۰ درصد از صادرات روسیه را مواد خام تشکیل می‌دهد اما روسیه می‌توانست از مزیت‌های دیگر خود نیز استفاده کند که همان نیروی کار ارزان بود. البته این امتیاز با توجه به افزایش قیمت نفت و به تبع آن افزایش دستمزد کارگران در عمل دیگر وجود ندارد. مزیت دیگر سیستم آموزشی این کشور است که با وجود همه کاستی‌ها هنوز هم برای تکمیل یک اقتصاد نوآورانه و فرصت‌نی کفایت می‌کند. روسیه برای این کار تنها باید نوع نگاه خود به مردم را تغییر دهد. وقتی امنیت شخصی تضمین نمی‌شود و هر لحظه ممکن است حاصل کار به نفع یک بوروکراسی فاسد صادره شود، چگونه می‌توان به فکر جدیدها و مدیران جدید بود؟ مورد من مثال خوبی است برای وضعیت بدترین مبتکر. به همین خاطر آنها هیچ کاری در داخل روسیه انجام نمی‌دهند. با این وضعیت چاره دیگری هم برای ما باقی نمی‌ماند. مدرنیزاسیون بدون اصلاحات سیاسی امری غیرممکن است. پوتین باید نشان دهد که منافع کشور را به بوروکراسی و جاهطلبی‌های شخصی ترجیح می‌دهد.

– **در حال حاضر همه از مدرنیزاسیون می‌گویند اما در مورد راه‌های رسیدن به آن اختلاف دارند. برخی لیبرال کردن سیستم سیاسی و اقتصاد را پیش شرط مدرنیزاسیون عنوان می‌کنند و برخی دیگر خواهان کشوری قدرتمند و یک «دیکتاتوری خوب» هستند. این‌ احقاقانه است که فکر کنیم می‌توانیم با یک دیکتاتوری خوب کشوری مقتدر، اقتصادی و مدرن بسازیم. یک کشور قدرتمند باید از نهادهای دموکراتیک و کارآمد و فعال برخوردار باشد یعنی قوه قضائیه مستقل، پارلمانی قدرتمند و حرفه‌ای، اپوزیسیون بانفوذ که فشارهای خارجی آن را ردیاب‌کنند، انتخابات عادلانه، جامعه مدنی پیشرفته و رسانه‌های جمعی آزاد و مستقل. به اصطلاح دیکتاتوری خوب چیزی جز رویای بوروکرات‌ها نیست.**

– **شما تا قبل از بازداشت اغلب به سیاستمداران غربی از جمله هنری کیسینجر و اوتوگراف لامبسدورف مشاوره می‌دادید. امروز چه انتظاری از سیاستمداران غربی دارید؟**

آشنایی با سیاستمداران غربی به من کمک کرد که دیدگاه آنها به روسیه و سیاست بین‌الملل را درک کنم. منافع مشترک استراتژیک بر پایه ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد. من از اینکه بسیاری از سیاستمداران غربی با دقت جریان محاکمه من را دنبال می‌کنند واقفاً سیاسی‌گزارم. به ویژه سیاستمداران آلمانی.

– **با اینکه مطمئن هستیم چیزی در مورد آنچه از ثروت شما در این سال‌ها باقی مانده نمی‌گویید، با این حال این پرسش را مطرح می‌کنم که تا چه زمانی می‌توانید هزینه‌های وکلای مدافع و آن فراخوان جهانی برای حمایت از خودتان را تأمین کنید؟**

تأمین این هزینه‌ها به امکانات خانواده و دوستانم بستگی دارد. حتی اگر در دوران زندگی من نتوانند به عدالت دست پیدا کنند این نبرد بدون من ادامه خواهد یافت.

منبع:اشیپگل

یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۸۹

گزارش

جای صلیب در کلیساست

گروه بین‌الملل: کشمکش‌ی که از ۱۰ روز پیش در ورشو، پایتخت لهستان، درباره یک صلیب شروع شده، همچنان ادامه دارد. تلویوی که پنجشنبه گذشته از طرف دولت برای پایان دادن به این نزاع نصب شد، نتوانست به اختلافات خاتمه دهد. از چند هفته پیش هر روز هزاران نفر در برابر کاخ ریاست‌جمهوری لهستان اجتماع می‌کنند، در برابر هم جبهه می‌گیرند، به هم ناسزا می‌گویند و تا مرز کتک‌کاری پیش می‌روند. پلیس چند بار مجبور به دخالت شده است.

پس از مرگ لخ کاپچینسکی رئیس‌جمهوری در ماه آوریل، طرفدارانش در سوگو او صلیبی چوبی به بلندی چهار متر، در کنار کاخ ریاست‌جمهوری در ورشو برپا کردند. هواییما حمل لخ کاپچینسکی، رئیس‌جمهور لهستان، پیش از ظهر شنبه، ۱۰ آوریل (۲۱ فروردین)، در حالی که سعی داشت در مه غلیظ در فرودگاه نظامی اسمولنسک، واقع در غرب روسیه، بر زمین بنشیند، در ابتدای باند فرود سقوط کرد. هیچ کلام از سرشنیان هواییما از این حادثه جان سالم به در نبردند. علاوه بر رئیس‌جمهور، همسر وی، رئیس ستاد مشترک ارتش لهستان، رئیس بانک ملی، معاون وزیر خارجه، تعداد زیادی از نمایندگان مجلس و تقریباً تمامی سرکردگان ارتش لهستان در این هواییما به سر می‌بردند. رئیس‌جمهور و هیات همراه از ورشو عازم اسمولنسک بودند تا در هفتادمین سالروز قتل‌عام کاتین شرکت کنند. در این واقعه واحدهای شوری سابق در اوایل جنگ جهانی دوم ۲۲ هزار سرباز لهستان را قتل‌عام کردند.

عده‌ای که بیشتر از نیروهای سکولار هستند، از دولت خواستند صلیب را از میدان «کاخ ریاست‌جمهوری» به یک کلیسا منتقل کند. به اعتقاد آنها، افراشتن صلیب در کنار کاخ ریاست‌جمهوری، اصل سکولاریسم جدایی دین از دولت) را که در قانون اساسی لهستان تضمین شده، نقض می‌کند. دونالد توسک، نخست‌وزیر لهستان، در حمایت از این دیدگاه گفت: «معلوم است که صلیب باید در کلیسا باشد، نه در خیابان» اما گروه‌های هستند که از این صلیب برای اغراض سیاسی خود استفاده می‌کنند. در لهستان کسی با خود صلیب مخالفت ندارد، اما موضوع این است که این صلیب خاص باعث نفاق و دشمنی میان ملت ما شده است.» در مقابل، ناسیونالیست‌ها و کاتولیک‌های



محافظه‌کار، اصرار می‌ورزند که کسی حق ندارد صلیب را از محل آن دور کند. از چند هفته پیش گروهی شب و روز در کنار صلیب نگهبانی می‌دهند تا کسی به آن نزدیک نشود. دولت لهستان برای پایان دادن به نزاع پلاک یادبودی در بزرگداشت لخ کاپچینسکی رئیس‌جمهوری متوفی در کنار میدان نصب کرد اما طرفداران رئیس‌جمهوری پیشین این پلاک را کافی نمی‌دانند. در همین روز کلیسای کاتولیک اعلام کرد با انتقال صلیب به «کلیسای دانشجویان» در ورشو موافق است. اسانسلاسلا وودزیکر کل شورای اسفان لهستان در اطلاعیه‌ای گفت: «به کسانی که در برابر این صلیب عبادت می‌کنند، یس‌آوری می‌کنم که عده‌ای از احساسات پاک شما برای اهداف سیاسی خود سوءاستفاده می‌کنند.»

پوششی بر ناراضی‌ای سیاسی

این نزاع در روزهای اخیر به مهم‌ترین بحث در لهستان بدل شده و زندگی عادی را در پایتخت فلج کرده است. به نظر ناظران سیاسی ماجرای صلیب از اختلافات عمیق سیاسی و ناراضیاتی از نتایج انتخابات اخیر در این کشور برده برداشته است. گفته می‌شود «صلیب» بهانه‌ای به دست نیروهای محافظه‌کار داده که مخالفت خود را با نیروها و نهادهای لیبرال ابراز کنند. لهستان هنوز از شوک مرگ رئیس‌جمهور بیرون نیامده، به «مصیبت صلیب» گرفتار شده‌است. در لهستان ۹۰ درصد مردم پیرو کلیسای کاتولیک هستند و این مذهب بخشی از هویت ملی کشور به شمار می‌رود. روشنفکران و نویسندگان لهستان تلاش می‌کنند طرفین نزاع را آرام کنند. آنها در رسانه‌های جمعی اطمینان می‌دهند لهستان به قرون وسطی برنگشته است و «عوغای صلیب» به زودی فرو می‌شیند.

پارت پولاد

تولیدکننده درب و پنجره‌های عایق یو پی وی سی

با شیشه‌های دو و سه جداره بوسیله ماشین‌آلات تمام اتوماتیک آلمانی

۴۰٪ کاهش هزینه مصرف برق و گاز

عایق رطوبت

عایق سرما

عایق گرما

عایق صدا

تعویض پنجره‌های آهنی بدون نیاز به تخریب و رنگ آمیزی

تلفن: ۰۲۱-۸۸ ۷۵ ۷۹ - ۸۸ ۷۵ ۳۰ ۹۸ - ۸۸ ۷۶ ۸۶ ۰۵ - ۸۸ ۵۰۰ ۵۶۹ (۰۲۱)

فکس: ۰۲۱-۸۸ ۷۵ ۲۱ ۴۸ وب سایت: ایمیل: info@partpoolad.com

www.bayaco.com